



# مبانی رویکردها و سیاست‌های راهبردی در روسیه

ناصر ثقفی‌عامری<sup>۱</sup>

فدراسیون روسیه به‌عنوان جانشین شوروی سابق هنوز از برخی از مزایای ژئوپلیتیک شوروی برخوردار است. مع‌هذا به‌نظر می‌رسد که تحت تأثیر تحولات در صحنه داخلی و بین‌المللی روسیه با چالش‌های عمده‌ای روبرو خواهد بود. در شرایط کنونی که دوران گذار در روسیه تلقی گردیده رویکردها و سیاست‌های راهبردی متفاوتی در بین نخبگان سیاسی آن کشور ملاحظه می‌شود. اورآسیایی‌ها معتقدند که ویژگی سرزمینی روسیه که در دو قاره آسیا و اروپا واقع می‌باشد ضرورت ایجاد سیاستی متوازن را در هر دو قاره و در برقراری روابط راهبردی با کشورهای این دو قاره ایجاب می‌نماید.

## مقدمه

طی حدود ده سال که از فروپاشی شوروی و تشکیل فدراسیون روسیه می‌گذرد این کشور با تحولات راهبردی عمده‌ای در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو بوده است در این دوره که هنوز ادامه دارد و به‌عنوان «دوره گذار» نامیده شده، این سیاست‌ها در معرض چالش‌های عمده‌ای قرار داشته است و از این رو تحت تأثیر دیدگاه‌های متفاوت نظریه‌پردازان و سیاستمداران آن کشور شاهد تغییر جهت‌هایی در سیاست‌های راهبردی روسیه بوده‌ایم. اغلب صاحب‌نظران معتقدند که سیاست‌های راهبردی هیچ کشوری نمی‌تواند فارغ از واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ترسیم گردد؛ لذا در این مقاله ابتدا برای درک روشن‌تری از مزیت‌ها و تنگناهای ژئوپلیتیک روسیه به مقایسه اجمالی شرایط ژئوپلیتیک روسیه با اتحاد جماهیر شوروی سابق که این کشور جانشین اصلی آن به‌شمار

۱. آقای ناصر ثقفی‌عامری سردبیر فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

می‌رود خواهیم پرداخت و سپس با تشریح دیدگاه‌های موجود دربارهٔ سیاست راهبردی روسیه به شرایط و محیط بین‌المللی با توجه به ضعف‌ها و توانایی‌های روسیه برای پیشبرد سیاست راهبردی این کشور می‌پردازیم.

## I - مقایسه روسیه و شوروی در نگاهی اجمالی

از حیث مساحت هرچند که فدراسیون روسیه حدود پنج میلیون کیلومتر مربع از شوروی سابق کوچکتر است مع‌هذا این کشور با وسعت ۱۷,۰۷۵,۰۰۰ کیلومتر مربع هنوز بزرگترین کشور جهان محسوب می‌شود و وسعت آن حدود ۲ برابر ایالات متحده آمریکا است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، بیش از دوسوم سرزمین فدراسیون روسیه در شمال مدار ۵۰ درجه قرار گرفته است. بخش‌های معتدل‌تر در ناحیه قفقاز جنوبی و سواحل دریای سیاه و سواحل بالتیک اینک جزو فدراسیون روسیه نمی‌باشند و لذا به رغم اینکه روسیه سرزمین وسیعی در اختیار دارد به علت شرایط آب و هوایی بسیار سرد که درجهٔ حرارت متوسط سالانه در بیش از ۷۰ درصد آن پایین‌تر از صفر می‌باشد؛ از لحاظ کشاورزی با دشواری‌هایی روبه‌روست و ناچار هر سال بخش مهمی از غلات مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کند. از لحاظ منابع معدنی، شوروی سابق یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌گردید و در تولید نقره، سنگ آهن در جهان مقام اول و در تولید طلا، الماس، مس، روی، سرب، کروم و نیکل در جهان مقام دوم را حائز بود.<sup>(۱)</sup> فدراسیون روسیه هنوز بخش‌های عمده‌ای از منابع مذکور را در اختیار دارد و در تولید طلا، پلاتین، نیکل و عرصهٔ الوار و چوب نقش تعیین‌کننده‌ای در بازارهای جهانی ایفا می‌نماید. شاید در میان منابع معدنی روسیه منابع نفت و گاز آن از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار باشد. در حدود پنج درصد ذخایر شناخته شدهٔ نفت و یک‌سوم ذخایر گاز جهان در قلمرو فدراسیون روسیه قرار دارد.<sup>(۲)</sup>

از لحاظ جمعیت نیز نکات قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. جمعیت ۱۴۸ میلیون نفری فدراسیون روسیه تقریباً نصف جمعیت شوروی سابق است. مع‌هذا این جمعیت از ترکیب منسجم‌تری برخوردار گردیده است و اینک ۸۱/۵ درصد سکنهٔ فدراسیون روسیه از تبار روس می‌باشند. این در حالی است که بزرگترین اقلیت قومی در فدراسیون روسیه یعنی تاتارها فقط



۴ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. مسألهٔ مسلمانان در روسیه که جمعیت آنها بالغ بر ۲۰ میلیون نفر می‌گردد با توجه به اینکه این جمعیت از همبستگی مذهبی کشورهای مسلمان جهان و به‌ویژه همسایگان روسیه در جنوب این کشور برخوردارند واجد اهمیت می‌باشد. با اوج گرفتن بحران در قفقاز شمالی نگرانی‌های روسیه از اسلام‌گرایی افراطی و آنچه «وهابی‌گری» نامیده‌اند افزایش یافته است.

در مورد چگونگی حفظ وحدت و یکپارچگی روسیه و به‌طور کلی رابطهٔ مرکز و پیرامون نظرات و گرایش‌های مختلفی وجود داشته است. برخی در روسیه توطئه و تهدیدات خارجی را متوجه وحدت روسیه تلقی می‌نمایند. در این ارتباط نظر ژبیگنر برژینسکی مبنی بر اینکه روسیه باید تبدیل به یک کنفدراسیون ضعیف شامل: «روسیه اروپایی»، «جمهوری سبیری» و «جمهوری خاور دور» شود با واکنش ملی‌گرایانه در روسیه مواجه گردیده و از سرزمین فدراسیون روسیه تحت عنوان: «تمدن روسی اوراسیایی» دفاع می‌کند.<sup>(۳)</sup> با وصف فوق تمایلات جدایی‌طلبی در مناطق ظهور و بروز می‌نماید. در یک نظرخواهی در جمهوری‌ها ۳۴ الی ۵۳ درصد معتقد بودند که مرکز بیش از آنچه به آنها بدهد از آنها دریافت می‌کند. پس از انتخابات ریاست جمهوری گذشته در روسیه بحث دربارهٔ روابط مرکز و پیرامون بار دیگر مطرح گردید و از لحاظ نظری چهار حالت برای آیندهٔ روسیه پیش‌بینی گردید:<sup>(۴)</sup>

۱. تجزیهٔ روسیه به کشور و مناطق مستقل: این حالت در وضعیت ضعیف بودن مرکز و عدم تمکین صاحبان قدرت محلی از قوانین فدرال ممکن است روی دهد. بحران در قفقاز شمالی یکی از این تهدیدات به‌شمار می‌رود و احتمال سرایت آن به سایر مناطق وجود دارد.
۲. تمرکزگرایی در فضای روسیه: در این حالت تشکیلات اداری به‌صورت عمده‌ای اعاده می‌شود و حقوق مناطق به‌شدت محدود می‌گردد.
۳. حفظ شرایط کنونی: حالت رکود فعلی تداوم می‌یابد و مناطق اتکای خود را دربارهٔ امور مهم به مرکز قطع می‌نمایند و مرکز کنترل خود را بر بسیاری از روندهای سیاسی و اقتصادی از دست خواهد داد.
۴. ایجاد یک سیستم فدرال متوازن: این امر مستلزم اصلاحاتی موفق می‌باشد و ضمن



اینکه قدرت فدرال بر ترس خود از جدایی طلبی مناطق فائق می‌گردد، مناطق نیز اعتماد خود را نسبت به مرکز می‌یابند. (۵)

در بررسی جغرافیایی روسیه و مقایسه آن با شوروی سابق با حذف شدن جمهوری‌های بالتیک سواحل روسیه محدود به بندر کالینین‌گرا<sup>۱</sup> شده است. اینک ارتباط این منطقه محصور از طریق زمینی با روسیه و فقط از طریق لهستان و یا لیتوانی میسر است. در حوزه دریای سیاه نیز در پی استقلال اوکراین، روسیه برای تأمین و حفظ ناوگان دریایی خویش به بندر سواستوپل و سایر پایگاههای دریایی اوکراین در دریای سیاه براساس ترتیبات توافق شده با آن کشور متکی است.

در جنوب، پس از استقلال جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی، روسیه دیگر دارای مرزهای زمینی با ترکیه، ایران و افغانستان نمی‌باشد. به عبارت دیگر اینک کشورهای تازه استقلال یافته در قفقاز جنوبی میان روسیه و منطقه حساس خاورمیانه حائل گردیده‌اند. (۶) از سوی دیگر منابع عمده انرژی در حوزه دریای خزر نیز بار دیگر اصطلاح «بازی بزرگ» را در سیاست تقابل روسیه با نفوذ قدرت‌های غربی در این منطقه رایج ساخته است. (۷)

## II - رویکردها در شرایط جدید: مروری بر چند دیدگاه

در پی فروپاشی شوروی و تشکیل فدراسیون روسیه دیدگاههای مختلفی در زمینه سیاست‌های راهبردی روسیه با توجه به شرایط نوین بین‌المللی ارائه شده است که در زیر به‌طور اختصار به آنها اشاره خواهد شد.

الف) اورآسیایی‌ها - طرفداران چنین نظریه‌ای معتقدند که روسیه به‌علت خصوصیت سرزمینی ویژه‌ای که دارد و سرزمین آن در اروپا و آسیا گسترش یافته لازم است که سیاست متوازنی که متضمن تأمین منافع آن کشور در اروپا و آسیا باشد را تعقیب نماید. این تفکر که از اواخر قرن ۱۹ در امپراتوری روسیه به‌وجود آمد بعداً در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نیز طرفدارانی در میان محافل روس‌های مهاجر یافت. بحث‌های جدید از سوی



طرفداران این نظریه ابتدا توسط سرگئی استانکوویچ<sup>۱</sup> که از اعضای شورای سیاست خارجی یلتسین بود آغاز گردید نامبرده این رویکرد راهبردی را برای روسیه، واقع‌گرایانه، عقلانی و طبیعی ذکر کرده و معتقد بود که روسیه باید گفتگوی چندجانبه‌ای را در زمینه‌های فرهنگی، تمدنی و کشوری آغاز نماید و از این طریق توازن بین گرایش‌های افراطی غربی و یا شرقی به وجود آورد. این رویکرد به زعم وی موجب می‌گردد تا اشتباهات دوران گورباچف در غرب‌گرایی افراطی و ارائه نظریه‌هایی مانند «خانه مشترک اروپایی» ضمن تقویت موضع روسیه در قبال شرق، تصحیح شود. در این رویکرد بر حمایت جدی از حقوق روس‌هایی که در «خارج نزدیک» زندگی می‌کنند و برقراری روابط نزدیک با شرکای سنتی روسیه مانند مکزیک، برزیل، یونان، آفریقای جنوبی، هند و چین تأکید گردیده بود. مع‌هذا باید توجه داشت که نظریه اوراسیایی در این رویکرد جدید به هیچ وجه ضد غربی و یا ضد دموکراتیک تلقی نمی‌گردد.<sup>(۸)</sup>

ب) اوراتلاتیست‌ها - غرب‌گرایان نیز در میان نخبگان روسیه جایگاه ویژه‌ای دارند. در پی فروپاشی شوروی برخی از سیاستمداران روسیه بخصوص «کوزیرف» وزیر امور خارجه یلتسین (از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶) از پیروان سرسخت این نظریه بودند. طرفداران این نظریه معتقدند که برای اصلاحات اقتصادی و ترویج دموکراسی، روسیه به حسن نیت و حمایت غرب نیازمند است. طرفداران این رویکرد معتقدند که همگرایی با تمدن غربی به روسیه جایگاه شایسته‌ای در سازمان‌های بین‌المللی مانند «گروه ۷»، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد خواهد داد. به‌طور کلی این سیاست در یک دوره شش‌ساله از حمایت کلی آقای یلتسین رئیس‌جمهور وقت روسیه برخوردار بود و شاید تنها انتقاد آقای یلتسین از رویکرد مذکور به سیاست‌های اتخاذشده کوزیروف در قبال ایران و عراق و ژاپن و بازگرداندن احتمالی جزایر کوریل بود که نهایتاً کوزیرف مجبور به تغییر این سیاست‌ها شد.<sup>(۹)</sup>

ج) اوراسیایی‌های ملی‌گرای افراطی - این جناح که به تدریج قدرت می‌یابد به شدت ضد آمریکایی است و متمایل به همگرایی با جنبش‌ها و احزاب دست‌راستی در اروپا و



به‌ویژه در آلمان می‌باشد. این جناح با اسلام افراطی به ویژه نوعی از اسلام که آن را «وهابی» نامیده‌اند مخالف است. این جناح به همکاری‌های راهبردی با چین و هند تمایل دارد ولی چندان به اصل برابری و تساوی در روابط با همسایگان و کشورهای کوچک‌تر پایبند نیست. در بررسی دامنهٔ منافع اساسی روسیه براساس رویکردهای موجود در آن کشور این واقعیت که حوزهٔ منافع اساسی روسیه محدودتر از دوران شوروی است به‌خوبی مشهود می‌گردد. در گذشته فضای تحت کنترل مستقیم شوروی، به عنوان یک ابرقدرت در صحنهٔ بین‌المللی با فضای ژئوپلیتیک آمریکا و چین در تماس مستقیم بود و سطوح برخورد سیاست جهانی شوروی با آمریکا و در حد کمتری با چین تعیین‌کنندهٔ محدودهٔ منافع اساسی آن کشور محسوب می‌گردید؛ در حالی که در شرایط جدید، منافع اساسی روسیه بسیار محدودتر از گذشته گردیده است و آن را حداقل تا سال ۲۰۱۰ فقط شامل سرزمین‌های شوروی سابق (خارج نزدیک) و مناطق مجاور آن قلمداد نموده‌اند.<sup>(۱۰)</sup> به‌طور کلی از لحاظ سیاست امنیتی، سیاست «نزدیک‌تر به خانه»<sup>۱</sup> مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.

### محیط بین‌المللی و حیطة فعالیت روسیه

در محیط بین‌المللی پس از جنگ سرد روسیه سعی کرده است تا کلیه عوامل و اهرم‌های به ارث رسیده از زمان شوروی سابق را به کار گیرد. مع‌هذا در اعمال این سیاست با موانعی نیز روبه‌رو بوده است. شاید مهمترین چالش روسیه را بتوان در نحوهٔ تنظیم روابط این کشور با غرب به‌شمار آورد. در این روابط از یک سو میل به همکاری و همگرایی وجود داشته و از سوی دیگر سیاست رقابت و یا به حاشیه راندن روسیه مطرح بوده است.

به هرحال جنگ متحدین بر علیه عراق در سال ۱۹۹۱ و اعلام نظم نوین جهانی از سوی آمریکا، در واقع اعلام جهان یک‌قطبی بود این امر و در پی آن سیاست‌های غرب و آمریکا برای گسترش ناتو به شرق موجب واکنش روسیه در جهت یافتن متحدین راهبردی برای خویش گردید و چین و هند به‌عنوان دو کشوری که هر دو در معرض آسیب‌های جهان

1. Closer to home

یک قطبی بودند نیز به‌عنوان کشورهایی که با اتحاد با یکدیگر می‌توانند مانع تحقق جهان یک قطبی شوند مورد توجه روسیه قرار گرفتند.<sup>(۱۱)</sup>

روسیه علاوه بر توسل به شیوه‌های تبلیغاتی در مورد اتحاد راهبردی با هند و چین که حداقل در شرایط کنونی غیرعملی به‌نظر می‌رسد به اهرم‌های واقع‌گرایانه‌تری نیز مبادرت نمود. روسیه که دومین قدرت هسته‌ای جهان به‌شمار می‌آید بیش‌از پیش بر این تسلیحات در تعاملات جهانی به‌ویژه در روابط خود با آمریکا تکیه می‌نماید.

در میان اغلب نخبگان سیاسی روسیه این باور وجود دارد که سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای تنها نماد باقی‌مانده به‌عنوان یک قدرت بزرگ برای روسیه محسوب می‌گردد.<sup>(۱۲)</sup> همچنین در این مورد این تصور وجود دارد که دلیل اصلی توجه بیش‌از حد غرب و به‌ویژه آمریکا به روسیه این است که روسیه یک قدرت استراتژیک هسته‌ای است. به‌عبارت دیگر این نگرانی در روسیه وجود دارد که روسیه بدون «مقام هسته‌ای» که دارا می‌باشد، احترام و وجهه بین‌المللی خود را از دست خواهد داد.<sup>(۱۳)</sup> لذا در شرایط جدید، تسلیحات هسته‌ای برای روسیه نه به منظور تبدیل مجدد روسیه به یک ابرقدرت، بلکه فقط برای جلوگیری از تمهیداتی که برای به‌کنار راندن روسیه از صحنه جهانی اعمال می‌شود، اهمیت می‌یابد. از این رو جای تعجب نیست همان‌طور که در بالا اشاره گردید در تعریف منافع حیاتی روسیه نیز بجای آنکه مانند دوران شوروی این منافع در چارچوب جهانی مطرح شود در سطح منطقه‌ای تعریف گردد.

تأکید روسیه بر تسلیحات هسته‌ای در دکترین نظامی آن کشور از لحاظ توازن میان نیروهای هسته‌ای و متعارف نیز قابل بررسی است. در دوران جنگ سرد نیروی متعارف شوروی و پیمان ورشو به‌ویژه در صحنه اروپا بر نیروهای ناتو برتری داشت؛ لذا در دکترین نظامی شوروی تسلیحات هسته‌ای نقش بازدارندگی را ایفا می‌نمودند. در شرایط جدید و با تحلیل رفتن و ضعف نیروهای متعارف روسیه و به‌ویژه تهدیداتی که روسیه از ناحیه ناتو و نفوذ و گسترش آن به شرق احساس می‌کند، سیاست هسته‌ای روسیه دگرگون گردیده است. روسیه در اسنادی که دربارهٔ سیاست‌های جدید امنیت ملی خود منتشر کرد اعلام نمود که این کشور باید نیروهای مسلح خود را برای مقابله با گسترش ناتو در اروپای شرقی و افزایش نفوذ

در جهان آماده کند. در اسناد مذکور تأکید شده است که اگر روسیه برای حل بحران‌ها و یا دفع تهدیدها علیه خود با مشکل مواجه شود به سلاح هسته‌ای متوسل خواهد شد. این سند در حالی انتشار یافته است که روسیه قبلاً اعلام کرده بود که فقط در صورتی که موجودیت آن کشور به خطر بیافتد از سلاح‌های هسته‌ای استفاده خواهد کرد.<sup>(۱۴)</sup> در اقدامی دیگر و مرتبط با این سیاست، روسیه در اوایل دسامبر ۱۹۹۹ مبادرت به استقرار دومین بخش از موشک‌های قاره‌پیمای بالستیک از نوع توپل - ام (اس.اس. - ۲۷) نمود.<sup>(۱۵)</sup> این اقدام روسیه می‌تواند به منزله واکنشی نیز نسبت به سیاست آمریکا برای گسترش سیستم دفاع ضد موشکی<sup>(۱۶)</sup> که در توافق سال ۱۹۷۲، دو طرف محدودیت‌هایی برای استقرار آن قائل گردیده بودند محسوب شود.

### مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی

روسیه در جهت همگرایی با غرب و دفع طرح‌هایی که به منظور گسترش ناتو به شرق مطرح بوده است در سازمان‌های بین‌المللی مشارکت فعال داشته و حتی در برخی از طرح‌های ناتو مانند طرح «مشارکت برای صلح» و یا شورای ناتو عضویت داشته و سهمیم بوده است. علاوه بر آن، روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا که تا سال ۱۹۹۵ با عنوان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا نامیده می‌شد عضویت دارد.

چهار وظیفه اصلی که این سازمان در حوزه ۵۴ کشور عضو آن و از جمله جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی دارد شامل موارد زیر است:

۱. تلاش برای حاکم نمودن ارزش‌های مشترک؛
۲. هماهنگ نمودن گفتگو در مورد مسایل امنیتی؛
۳. کنترل تسلیحات و خلع سلاح (پیمان نیروهای متعارف در اروپا با نظارت این سازمان به امضا رسید)؛
۴. بهره‌گیری از ابزارها و امکانات جهت دخالت در جنگ‌های منطقه‌ای.

شاید مهمترین مورد فعالیت سازمان امنیت و همکاری اروپا در حل دور اول مناقشات در چچنستان بوده باشد. روسیه به‌رغم آنکه این مسأله را یک امر داخلی تلقی



می‌نمود در مقام تقویت این سازمان در برابر ناتو با نقش میانجیگر آن در بحران مذکور موافقت نمود. (۱۷)

در سازمان ملل متحد و به‌ویژه در شورای امنیت که روسیه در آن دارای کرسی با حق وتو می‌باشد نیز فعالیت‌های روسیه در جریان بحران بالکان هرچند که با شکست مواجه شد و نهایتاً به اقدام ناتو منجر گردید ولی فعالیت این کشور از جمله در حمایت از اقداماتی جهت رفع تحریم‌های برقرار شده علیه عراق توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد مشهود می‌باشد. (۱۸)

در سازمان‌های بین‌المللی دیگر مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی روسیه به توافق و همکاری نهادهای مذکور برای اعتبارات مورد نیاز و تجدید وام‌های خارجی خود که بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار می‌گردد، نیازمند است. (۱۹) در این مورد نقش قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا مؤثر بوده و در موازد بحرانی مانند بحران چینستان از تعویق پرداخت برخی از وام‌ها به‌عنوان اهرم فشار علیه روسیه استفاده شده است.

## دورنمای آینده

روسیه طی دهه گذشته با چالش‌های عمده‌ای هم در سطح ملی به صورت نیاز به تجدید ساختار و تعریف جدیدی از هویت ملی خود و هم در سطح بین‌المللی به شکل تحولات عمده ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک مواجه بوده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که از لحاظ ژئوپلتیک روسیه از بسیاری از مزیت‌های دوران شوروی محروم شده است. از سوی دیگر در حفظ و بهره‌وری از مزیت‌های به ارث رسیده نیز با مشکلات عمده ناشی از تغییرات در ساختارهای بنیادین خود روبه‌رو بوده است. با توجه به شرایط مذکور چنین به نظر می‌رسد که این تغییرات حداقل در کوتاه‌مدت ادامه یابد و مهمترین عواملی که می‌تواند نوساناتی را در رویکردها و سیاست‌های راهبردی روسیه به‌وجود آورند عبارتند از:

۱. در عرصه جهانی همان‌طور که اشاره گردید روسیه سعی خواهد نمود تا از موقعیت خویش به‌عنوان دومین قدرت هسته‌ای در جهان نهایت بهره‌برداری را بنماید. در این راستا از مذاکرات دوجانبه خلع سلاح روسیه با آمریکا در زمینه سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای که

ضمناً یادآور خاطرهٔ زمان ابرقدرتی شوروی می‌باشد برای حفظ وجههٔ روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ استفاده خواهد گردید. به‌نظر می‌رسد که آمریکا نیز حداقل در «دورهٔ گذار» روسیه از این روند ناراضی نخواهد بود زیرا از یک سو توجهات کافی برای حفظ و نگهداری زرادخانهٔ هسته‌ای خویش به‌دست می‌آورد،<sup>(۲۰)</sup> و از سوی دیگر با ادامهٔ مذاکرات خلع سلاح تسلیحات استراتژیک هسته‌ای و تشویق روسیه به همکاری، فعالیت‌ها و زرادخانهٔ عظیم هسته‌ای آن کشور را به نحوی تحت نظارت و کنترل درخواهد آورد.

البته به‌نظر می‌رسد که این روند تا مرحلهٔ استهلاک کامل تسلیحات استراتژیک هسته‌ای روسیه به علت حذف شدن بخشی از آن به علت عدم جایگزینی و نگهداری‌های لازم و یا تحولات مهمی که در فن‌آوری‌های خنثی‌کننده تسلیحات مزبور مانند توسعه شبکه دفاع ضد موشکی آمریکا، استمرار یابد.

در سطح جهانی اهرم دیگری که در اختیار روسیه می‌باشد بهره‌مندی از حق و تو در شورای امنیت می‌باشد. طی دههٔ گذشته روسیه از این حق و یا تهدید به استفاده از آن، بهره‌برداری نموده است؛ ولی به‌نظر می‌رسد که در آینده از این حق برخلاف دوران شوروی سابق که از آن در حیطهٔ رقابت‌های جهانی استفاده می‌شد در جهت کسب امتیازات ملی استفاده نماید.

۲. در سطح منطقه‌ای روسیه با مهمترین چالش‌ها روبه‌رو بوده است. سیاست روسیه در قبال غرب و به‌ویژه اروپا دچار نوساناتی بوده که به‌طور عمده ناشی از رویکردهای مختلفی است که در روسیه نسبت به سیاست همگرایی و همکاری با غرب از یک سو و رقابت با آن از سوی دیگر وجود دارد. مسألهٔ عضویت کشورهای اروپای شرقی در جامعهٔ اروپا و از آن مهمتر عضویت آنها در «ناتو» سوءظن‌ها و نگرانی‌های عمده‌ای را در روسیه به‌وجود آورده است. در روسیه در میان بسیاری بخصوص غرب‌گرایان در پی فروپاشی شوروی و پذیرش سیستم دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد، این امیدواری به‌وجود آمده بود که با آغوش باز غرب مواجه شده و کلیهٔ مشکلات و نابسامانی‌های خود را پشت سر خواهند گذاشت! تجربهٔ سالهای گذشته نشان داد که چنین استنباطی بسیار خوشبینانه بوده است. حمایت گسترده کشورهای غربی از جمهوری‌های بالتیک و متعاقباً ابقای طرح‌های مربوط به گسترش «ناتو» به

شرق واهی بودن آن امیدها را به اثبات رسانید.<sup>(۲۱)</sup> در صحنه اروپا، وقایع در منطقه بالکان و به‌ویژه آنچه در «کوزوو» روی داد نگرش‌هایی منفی در روسیه نسبت به امکان همگرایی با غرب به‌وجود آورده است.

در منطقه قفقاز، روسیه با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک این منطقه، از بدو استقلال جمهوری‌های جنوب قفقاز سعی در حفظ این کشورها در حوزه ژئوپلیتیک خود داشته است. با این حال به‌علل ضعف‌های داخلی در روسیه و به‌ویژه عدم وجود منابع مالی لازم برای کمک و سرمایه‌گذاری در این جمهوری‌ها به تدریج حضور روسیه در این جمهوری‌ها کم‌رنگ‌تر شده است.<sup>(۲۲)</sup>

۳. در روابط با همسایگان نیز رویکردهایی که در روسیه نسبت به سیاست‌های راهبردی آن وجود دارد تأثیرگذار بوده است. به این ترتیب به‌رغم آنکه برخی از سیاستمداران روسیه اتحاد استراتژیک روسیه را مختص کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع یا «خارج نزدیک» می‌دانند<sup>(۲۳)</sup> افراد دیگری صحبت از اتحاد استراتژیک با چین، هند و یا ایران می‌کنند.

به‌رحال همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره گردید به‌نظر می‌رسد از آنجایی که روسیه هنوز «دوران‌گذار» را طی می‌کند؛ باید منتظر تغییر و تحولات بیشتری در آن کشور بود و به لحاظ آنکه تحولات مزبور تا حد زیادی از سیاست‌ها و شرایط داخلی نشأت می‌گیرد لذا بازتاب آن در سیاست‌های راهبردی، در وهله نخست در حوزه پیرامونی و به‌ویژه در ارتباط با کشورها و مناطق همجوار روسیه محسوس‌تر خواهد بود.

## نتیجه

فدراسیون روسیه به‌عنوان جانشین شوروی سابق هنوز از برخی از مزایای ژئوپلیتیک شوروی برخوردار است. مع‌هذا به‌نظر می‌رسد که تحت تأثیر تحولات در صحنه داخلی و بین‌المللی روسیه با چالش‌های عمده‌ای روبرو خواهد بود. در شرایط کنونی که دوران‌گذار در روسیه تلقی گردیده رویکردها و سیاست‌های راهبردی متفاوتی در بین نخبگان سیاسی آن کشور ملاحظه می‌شود.

«اورآسیایی»ها معتقدند که ویوگی سرزمینی روسیه که در دو قاره آسیا و اروپا واقع می‌باشد ضرورت ایجاد سیاستی متوازن را در هر دو قاره و در برقراری روابط راهبردی با کشورهای این دو قاره ایجاب می‌نماید. «اورآتلانتیست»ها یا غرب‌گرایان معتقدند که برای اصلاحات اقتصادی و ترویج دموکراسی روسیه به حسن نیت و حمایت غرب نیازمند است و همگرایی با تمدن غربی جایگاه شایسته روسیه را در صحنه جهانی تثبیت خواهد نمود. گرایش جدیدتری نیز در روسیه نضج گرفته است که تحت عنوان «اورآسیایی‌های ملی‌گرای افراطی» شناخته شده‌اند. پیروان این گرایش ضدآمریکایی بوده و متمایل به همگرایی با جنبش‌ها و احزاب دست راستی در اروپا می‌باشند. این جناح به همکاری‌های راهبردی با چین و هند نیز از خود تمایل نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که گرایش‌های ذکر شده در جهت پیشبرد اهداف خویش در رقابت با یکدیگر می‌باشند. در مجموع از دامنه نفوذ و فعالیت روسیه در صحنه بین‌المللی نسبت به زمان شوروی به نحو قابل ملاحظه‌ای کاسته شده است و علی‌رغم تلاش‌هایی که روسیه در جهت به‌کارگیری اهرم‌هایی که در اختیار دارد نفوذ این کشور در حوزه جمهوری‌های سابق شوروی که از سوی آن کشور به «خارج نزدیک» موسوم گردیده روبه کاهش بوده است.

#### یادداشت‌ها

۱. ناصر ثقفی عامری، بررسی اجمالی موقعیت استراتژیکی و سیاست خارجی شوروی، مجله سیاست خارجی، سال اول شماره ۳، تیر - شهریور ۱۳۶۶ صفحه ۵۱۰.
  2. Reuters, Moscow, Dec 18, 1999.
  3. Anatoli Gromyko, «Russia and the World of Islam», *Russia and the Muslim World*, No.5 (71), 1998, p.14.
- همچنین درباره تحولات مرکز و پیرامون نگاه کنید به:
- زیبا فرزین‌نیا، «تحولات روسیه در آستانه قرن بیست‌ویکم»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸، صفحات ۱۲۲-۱۳۵.
4. Sergei Khenkin, «Separatism Russia: have we left it behind?», *Proet Contra*, Moscow, Vol.2, No.2, Spring 1994, pp.5-19.



۶. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که روسیه از بسیاری از مزایای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک زمان شوروی محروم شده است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

B.M.Baryn'kin, «Military Threats to Russia & Development Problems in Her Armed Forces», Conflict Studies Research Center, August 1999, p.1.

۷. درباره طرح‌های غرب برای سلطه بر حوزه دریای خزر رجوع کنید به:

M.A. Smith, «Geopolitical Challenges to Moscow in the Transcaucasus», Conflict Studies Research Center, Sept 1999, p.2.

۸. البته این نظریه با گرایش‌های افراطی‌تری مانند دکترین «مونروته روسی» که از سوی میگرانیان مطرح شد در تقابل می‌باشد.

۹. نگاه کنید به:

Alvin Z. Rubinstein, «The Transformation of Russian Foreign Policy», in the International Dimension of Post- Communist Transitions in Russia and the New States of Eurasia, Editor Karen Dawisha, M.E. Sharpe, New York, London, 1997, p.42.

۱۰. رجوع کنید به:

Mikhail Tsypkin, «The Politics of Russian Security Policy» in State Building and Military Power in Russia and the New States of Eurasia», edited by Bruce Parrot, M.E. Sharpe, New York, London, 1995, p.31.

۱۱. درباره اتحاد استراتژیک روسیه - چین و هند در تقابل با جهان یک‌قطبی و سیاست‌های آمریکا نگاه کنید به:

*Oxford Analytica Daily Brief*, Nov 26, 1999.

۱۲. نگاه کنید به:

Roy Allison & Christoph Bluth, «Security Dilemmas in Russia and Eurasia», *The Royal Institute of International Affairs*, 1998, p.71.

۱۳. همان، ص ۷۲.

۱۴. شبکه خبری BBC - روزنامه همشهری، ۲۶/۱۰/۱۳۷۸.

۱۵. نگاه کنید به:

*Oxford Analytical Daily Brief*, Dec 22, 1999

16. Anti - Ballistic Missiles (ABM)

۱۷. درباره سازمان امنیت و همکاری اروپا و فعالیت‌های آن رجوع کنید به:

- منصور رحمانی، توسعه و نقش امنیتی ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، زمستان ۷۷، صص ۸-۷ و همچنین به:

- *Oxford Analytica Daily Brief*, No.17, 1999.



۱۸. ریچارد باتلر رئیس سابق هیأت خلع سلاح عراق «آنسکام» در مصاحبه‌ای راجع به علل برکناری خود، به گفتگویی با پریماکف وزیر خارجه وقت روسیه اشاره می‌نماید که در آن از پریماکف سؤال می‌کند که چرا روسیه به منافع اقتصادی عراق علاقه‌مند است. نامبرده در پاسخ می‌گوید که عراق به مسکو حدود ۷ میلیارد دلار (بابت تانک‌های روسی و هلیکوپتر و سایر تسلیحات) از زمان جنگ ایران و عراق بدهکار است و روسیه پول خود را می‌خواهد. رجوع شود به:

Richard Butler, *Talk Magazine*, Sept, 1999.

19. *Oxford Analytica Daily Brief*, Nov 23, 1999.

۲۰. تعداد کلاهک‌های هسته‌ای روسیه حدود ۲,۲۰۰۰ فروند برآورد شده است. رجوع شود به:

*Oxford Analytica Daily Brief*, Sept 15, 1998.

۲۱. در حالی که مقامات رسمی روسیه از تلاش آمریکا برای گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز از طریق طرح «مشارکت برای صلح» ناتو انتقاد می‌نمایند. با این حال مسکو مایل نیست که به‌طور کامل از فعالیت‌های منطقه‌ای «مشارکت برای صلح» برکنار بماند.

۲۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع شود به:

Pavel K. Baev, «Can Russia Do it Alone in the Caucasus?» *Perceptions*, Vol. II, No.3, Sept - Nov 1997, p-167.

۲۳. برای مثال رجوع شود به مصاحبه آقای شووالف سفیر فدراسیون روسیه در ایران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۶۹.